عکس: مجید آزاد / جام جم

مینا مولایی

جامعه

لطفا قبل از خواندن این گفت‌وگو یک بار در آینه به خودتان نگاه کنید! به دست‌ها، پاها، بدن و ظاهری که سالم است، به اوضاعی که روبه راه است. حالا به تصویر وحید رجبلو نگاه کنید، به جوان ۳۱ ساله‌ای که سال‌هاست ۹۸ درصد بدنش از کار افتاده و تنها با توان ۲۰ درصد از دست راستش، یک تنه مقابل مشکلات بزرگ و کوچک این زندگی ایستاده است؛ نه! اصلا باید وحید را از نزدیک ببینید تا ایمان بیاورید هیچ مانعی حریف اراده انسان نمی‌شود؛ که وحید یک مبارز واقعی است. همان‌طور که ما دیدیم، رودررویش نشستیم و با او از روزگاری گفتیم که در این سال‌ها بر او گذشته است. با وحید که حرف می‌زدیم، «ناتوانی» چند بار آمد و دور سرش چرخ زد و مثل همیشه حریفش نشد و رفت، «ناامیدی» چند بار آمد پشت شیشه دفترش ایستاد و از فاصله‌ای دور زل زد به او، به وحید که یک بیمار SMA است؛ از همان بیمارانی که وزیر بهداشت چند وقت پیش گفت دو سه سال بیشتر زنده نیستند و چرا دولت باید برای واردات دارویشان هزینه کند؟! باید به گوش آقای وزیر بهداشت برسانیم که این بیمار مبتلا به SMA، سی و یکسالگی اش را هم پشت سر گذاشته و حالا مدیر یک استارت‌آپ وطنی است؛ توان‌یابی که سال‌هاست دستش توی جیب خودش است.

وحید اگر خودت بخواهی وحید رجبلو را معرفی کنی، از کدام خصوصیتش می‌گویی؟

من می‌گویم وحید رجبلو دوست دارد روی پای خودش بایستد، آدمی است که فقط از خودش در زندگی توقع دارد و از بقیه طلبکار نیست. حقش را طلب می‌کند اما طلبکار نیست. می‌گویم که وحید در دنیا منتظر هیچ قهرمانی جز خودش نبوده، به دنیا نیامده که فقط یک تماشاگر باشد، بلکه برای خواسته‌هایش تلاش می‌کند تا خودش آنها را به دست بیاورد. بعد هم می‌گویم که وحید هفدهم فروردین ۱۳۶۰ به دنیا آمده و یک بیمار SMA است.

از همان ابتدا با این بیماری درگیر بودی؟

بله SMA یک بیماری ژنتیک است و من از بدو تولد درگیرش بودم اما شاید حدود یک سالگی من بوده که خانواده‌ام فهمیدند یک سری علائم دارم که طبیعی نیست، مثلا عضلاتم حرکت نمی‌کند.

درباره بیماری‌ات بیشتر توضیح بده.

SMA بیماری تحلیل رفتن عضلات بدن است که البته به مرور اتفاق می‌افتد، یعنی عضله‌ها به مرور ضعیف می‌شوند، به این صورت که از لگن و پاها تحلیل شروع می‌شود و همین طور که سن بالا می‌رود عضلات بالاتنه هم درگیر می‌شود و بیشتر از همه روی ستون فقرات تاثیر می‌گذارد. می‌گویند این بیماری تا یک سنی بیمار را از پا در می‌آورد و باعث فوتش می‌شود اما بدن من مقاوم بود و این مرحله را رد کردم و هنوز زنده هستم.

وحید تو از بچگی با این بیماری درگیر بودی اما شاید خیلی‌ها اولین بار اسم بیماری تو را در یک گفت‌وگوی تلویزیونی شنیدند، وقتی که خبرنگار از وزیر بهداشت درباره هزینه‌های درمان بیماری SMA پرسید و آقای وزیر در جواب گفت: آیا مردم ایران اجازه می‌دهند که برای افزایش دو سه سال عمر، ما برویم هر سال یک میلیارد تومان هزینه کنیم؟ ما از این بیماری‌ها متعدد داریم، هزینه‌های فوق‌العاده زیاد و در عین حال طول عمر پایین. حتما تو هم این اظهار نظر را شنیده‌ای؛ تو الان یک بیمار SMA هستی و ۳۱ سال عمر کرده‌ای، نظرت درباره این اظهار نظر چیست؟

بله. من این نقل قول را از آقای وزیر شنیدم، خیلی هم دوست داشتم آقای وزیر بهداشت را از نزدیک ببینم، حتی از ایشان درخواست وقت برای جلسه هم کردم. اما به من وقت ندادند، هر بار که پیام دادم به یک بهانه این جلسه کنسل شد و نشد هیچ‌وقت ایشان را از نزدیک ببینم. اما دوست داشتم به ایشان بگویم: آقای وزیر بهداشت من از همان دسته آدم‌هایی هستم که می‌گفتید دوسال بیشتر زنده نیستند، اما من زنده ام و الان با همین بیماری، در حوزه سلامت فعالم.

اما قطعا به عنوان یک بیمار، گذراندن این مسیر برایت آسان نبوده؟

نه اصلا راحت نبود، اما من با همه سختی‌ها درس خواندم و خودم را بالا کشیدم.

در مدرسه عادی درس خواندی؟

من اصلا مدرسه نرفتم.

پس چطور درس خواندی؟ اصلا چرا مدرسه نرفتی؟

هیچ جا من را ثبت‌نام نمی‌کردند و به من به چشم یک معلول عقب‌مانده ذهنی نگاه می‌کردند در حالی که این طور نبود و من مثل بقیه بچه‌های عادی بودم. آن موقع حتی بیماری‌ام این قدر پیشرفت نکرده بود، اما در مدرسه عادی ثبت‌نامم نکردند و من از جمع بچه‌ها محروم شدم، در خانه ماندم و با کمک مادر و خواهرم در خانه درس خواندن را شروع کردم. الفبا، ریاضی و همه اصول اولیه آموزش ابتدایی را با کمک آنها در خانه یاد گرفتم. اما به خاطر این‌که حدود پنج سال شدت بیماری‌ام زیاد شد، درگیر درمان شدم و بعد حدود ۱۲ سالگی دوباره درس خواندن را ادامه دادم. آن‌وقت تمام دوره ابتدایی را در یک سال خواندم و غیرحضوری امتحان دادم، قبول شدم و رفتم دوره راهنمایی. در این دوره اما یک معلم داشتم که می‌آمد خانه و به من درس می‌داد.

انگار همیشه خودت برای درس خواندن تلاش کردی.

بله. پدرم از ابتدا یک توصیه به من داشت و می‌گفت که وحید اگر می‌خواهی موفق شوی، مهارتت را بالا ببر. من هم دنبال یاد گرفتن همه چیز بودم. از آنجا که به کامپیوتر خیلی علاقه داشتم، از یک زمانی به بعد تمرکزم را روی یادگیری کامپیوتر گذاشتم و به صورت خودآموز همه فوت و فن‌های کامپیوتر، برنامه‌نویسی و اینترنت را یادگرفتم. آزمون و خطاهای زیادی داشتم اما بالاخره شدم طراح وب.

آن روزها هدف خاصی در نظر داشتی، یعنی برای امروزت برنامه‌ریزی کرده بودی؟

نه، این‌طور نبود که به‌طور مشخص بدانم اینجا باید باشم اما از همان اول در ذهنم این بود که باید کاری کنم که به استقلال برسم و درآمد مستقل داشته باشم. به خاطر همین هم برنامه‌نویسی را انتخاب کردم چون برای این کار احتیاج به کمک نفر دومی نداشتم و خودم به تنهایی از پس‌اش برمی‌آمدم.

از چه سالی کار کردن را شروع کردی؟

۱۲ سالی می‌شود که من وارد بازار کار شدم، از این مدت هم حدود هشت سالش را به‌طور تخصصی طراحی وب انجام می‌دهم.

اولین درآمدت چقدر بود؟

فکر کنم ۲۰ هزار تومان بود که آن را برای راه‌اندازی اینترنت خانه هزینه کردم.

الان همه تو را با استارت آپ موفق توانیتو می‌شناسند، ایده این استارت‌آپ از کجا به ذهنت رسید؟

اوایل سال ۹۰ بود که استارت‌آپ‌های مختلف، تازه در کشور ما فعال شده بودند، من همان روزها به فکر راه‌اندازی سامانه‌ای افتادم که مشاغل کل کشور از آرایشگاه‌ها گرفته تا سوپرمارکت‌ها، آرایشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و... را برای خدمت‌رسانی به معلولان فعال کند. مثلا یک توان‌یاب که نمی‌تواند در مدرسه درس بخواند، با آموزشگاه یا معلمی که اعلام آمادگی کرده تماس بگیرد و بگوید به خانه‌اش بیاید یا با یک آرایشگر تماس بگیرد و از او برای اصلاح موهایش کمک بخواهد، اما این ایده تا اجرایی شدن کمی زمان برد. اوایل سال ۹۴ بود که استارت‌آپ همیار مهر را با همین هدف راه انداختم، اما کار سختی بود و نمی‌توانستم مشتری بگیرم، حتی یک مدتی این کار را رها کردم و دوباره آخرهای سال ۹۵ رفتم سراغش. بعد هم که از همیار مهر رسیدیم به توانیتو که فکر می‌کنم اسم بهتری است. الان مخاطب توانیتو حتی بیشتر از توان‌یاب‌ها، مشاغل هستند. هرکسی که کسب و کاری دارد می‌تواند وارد شود و خدماتش را ارائه بدهد. یعنی این فقط کمک به توان‌یاب‌ها نیست، یک بازار جدید است و یک جور اشتغال‌زایی برای همه.

زندگی +

توان‌یاب‌ها هم جزئی از همین جامعه هستند

با وحید رجبلو که هم‌صحبت شوید کلمه توان‌یاب را زیاد می‌شنوید؛ او خودش را یک توان‌یاب می‌داند و توصیه‌اش به توان‌یاب‌های دیگر این است که خودشان را از نعمت حضور در جامعه محروم نکنند چون آنها هم جزئی از همین جامعه هستند. این، همان کاری است که او انجام داده: «من همیشه سعی می‌کنم خودم در تغییر نگاه نسبت به توان‌یاب‌ها پیشقدم و نفر اول باشم. به نظرم این کار باعث می‌شود ترس بقیه دوستان توان‌یاب برای حضور در اجتماع و انتشار عکس از خودشان کمتر شود. من خیلی وقت‌ها از انتشار عکس‌هایم حرف‌های ناخوشایند و تلخ شنیدم اما از هدفی که داشتم دست برنداشتم، اما الان خوشبختانه می‌بینم که دوستان توان‌یاب دیگر هم از خودشان عکس و ویدیو منتشر می‌کنند و این حس خوبی دارد.»

ماجرای معافیت سربازی یک معلول ۹۸درصدی

توئیت چند روز پیش وحید رجبلو درباره ماجرای معافیت سربازی‌اش، در فضای مجازی سروصدای زیادی به پا کرد؛ اتفاقی که وحید درباره‌اش به ما می‌گوید: «برای خود من نکته جالب اینجاست که هیچ‌وقت حق تحصیل را در زمان لازم به من یادآور نشدند اما هر سال به من گوشزد می‌کردند که مبادا از خدمت وظیفه عمومی غافل بشوی و من بالاخره چند روز پیش بعد از طی پروسه عجیب، دردآور و خنده‌داری معاف شدم اما اگر باز هم شکی به دل مسؤولان مانده من آماده به خدمتم.

البته شاید خیلی از دوستان توان‌یاب فکر کنند من یک هفته‌ای کارت معافیت گرفته‌ام اما حقیقت این است که من هم سه سال درگیر این ماجرا بودم، از سه سال پیش چندبار برای معافیت اقدام کردم اما هربار به خاطر مراحل پیچیده‌ای که سرراهمان بود و دردسرهایی که داشت وسط راه منصرف می‌شدم، مثلا می‌گفتند باید کمیسیون بروی یا این‌که فلان واکسن را بزنی و... . هر چقدر خانواده‌ام توضیح می‌دادند که معلولیت شدید دارد قبول نمی‌کردند. تا این‌که امسال برای پدرم پیامکی ارسال شد که اگر برای معافیت اقدام نکنید، مشمول جریمه می‌شوید. به نظام وظیفه فردیس مراجعه کردم و گفتند باید تایید پزشک عمومی ما در پرونده باشد.

اما پزشکی که معرفی کرده بودند هربار که مراجعه می‌کردم در مطب نبود و من هم هیچ‌وقت نمی‌توانستم ثابت کنم که در محل حاضر شده‌ام و آنها نبوده‌اند. تا این‌که دوباره یک پیامک دیگر آمد و گفتند که باید به بیمارستان امام سجاد(ع) مراجعه کنید. جالب اینجاست که وقتی من به بیمارستان امام سجاد(ع) رفتم خود مسؤولان بیمارستان خندیدند که چرا تو را با این معلولیت شدید به اینجا فرستاده‌اند! با این حال مراحل قانونی را همان جا طی کردم. من دوباره مدارکم را به نظام وظیفه فردیس بردم اما باز قبول نکردند و گفتند باید پزشک خودمان معلولیت تو را تایید کند. اینجا بود که من این موضوع را توییت کردم و واکنش‌های زیادی داشت. حتی شنیدم که خیلی‌ها گفتند این آقا حرفش درباره معلولیتش صحت ندارد! در حالی که این عدد ۹۸ درصد معلولیت را پزشکان بهزیستی بعد از کمیسیون در پرونده من زده‌اند.»

توییت جنجالی وحید، در نهایت پای سردار موسی کمالی، رئیس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح را به این موضوع باز کرد و او از بروز سوءتفاهم در موضوع معافیت وحید رجبلو خبر داد و اعلام کرد که با توجه به وضع جسمی وحید، او اصلا نباید به بیمارستان معرفی می‌شد و پزشکان شورا می‌توانستند براساس وضعیت جسمی‌اش اظهارنظر کنند. نتیجه نهایی ورود سردار کمالی به این موضوع، تشکیل کمیسیون پزشکی وحید در منزل و تأیید معافیت برای صدور کارتش بود.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#روکش-آسفالت

رحیمی از تهران:

روکش آسفالت کمربندی دوم تهران قبل از پل جاده قدیم قم تا آزادراه قم - تهران مدت زیادی است که در آن چاله‌های زیادی دارد و هیچ‌کس به فکر ترمیم آن نیست، مسؤولان نه‌تنها برای روکش آسفالت آن فکری نکرده‌اند، حتی برای پر کردن چاله‌های آن هم اقدام نمی‌کنند.

#پاتوق-جگر

شاپوری از تهران:

تمامی خیابان پیروزی از ساعت ۹شب به بعد با حضور وانت‌های دوره‌گرد به پاتوق فروش دل، جگر و... تبدیل می‌شود و این افراد بدون مجوزهای بهداشتی به فعالیت خود آزادانه ادامه می‌دهند.

#ترافیک-سنگین

قاسمی از تهران:

ترافیک سنگین در میدان مطهری واقع در بلوار تختی منطقه ۱۴تهران، در حال افزایش است و شهروندان دقایق زیادی را باید در این ترافیک سپری کنند.

#بازار-تورم

بوکایی از تهران:

با آزاد شدن صادرات مرغ و تخم‌مرغ، یکباره قیمت این اجناس افزایش چند برابری داشته است و دوباره دست دلالان در ناآرامی‌های بازار دیده می‌شود.

#خدمات-نامناسب

عبدالهی از تهران:

یک دستگاه یخچال فریزر خریدم که بعد از مدت کوتاهی خراب شد، برخلاف تعمیر هنوز به طور کامل درست نشده است و نمایندگی مذکور هم پاسخی به بنده نمی‌دهد.

#پیامک-بانک

جوزانی از تهران:

چرا بانک پاسارگاد با وجود کسر مبلغی بابت پیامک، ولی تراکنش‌های مبالغ زیر یکصد هزار تومان را پیامک نمی‌دهد؟ نبود نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها بیش از پیش احساس می‌شود.

#قیمت-سلیقه‌ای

رجب‌پور میاندوآب:

متاسفانه هر فروشگاه و سوپرمارکت به قیمت دلخواه و با بهانه‌های دروغین کالاها را با قیمت‌های مختلف به مردم عرضه می‌کنند.

#اتوبان-رودخانه

شکوری از تهران:

نبود کانال‌های هدایت آب در ورودی خیابان شریعتی به اتوبان همت در روزهای بارانی باعث آبگرفتگی معابر و خیابان‌های اطراف می‌شود که ترافیک نیز سنگین‌تر می‌شود.